

در نظام جمهوری اسلامی، **دانشجویان** که طبقه پیشرو و پیشاهنگ و زبده و بانشاط پیکره اجتماع هستند، باید در **ساختن آینده** و ترسیم حرکت عمومی جامعه، بیش از جاهای دیگر، نقش و اثر داشته باشند. این تأثیر، با دو عاملی که باید در کنار هم باشند، تحقق پیدا می کند: عامل اول، **درس و علم و تحصیل** است و عامل دوم، **جهت گیری فکری و سیاسی و انقلابی** است.

... ادامه در صفحه آخر

ضمن **عرض پوزش** از همه هم محلی های عزیز و بزرگوار به خاطر تأخیری که در این شماره از **نشریه مصباح** بوجود آمد و آرزوی توفیق خدمتگزاری هر چه بیشتر، در آستانه **روز دانشجو**، به عنوان سرمقاله، کوتاه مطلبی برگرفته از فرمایشات رهبر عزیز انقلاب (مدظله) راجع به آن عرض می کنیم.



نشریه تجربی مصباح شردان کانون فرهنگی محمدرسول الله ﷺ مسجر امام حسین علیه السلام شردان شماره ۷ پاییز ۱۴۰۱

طبع و نشر آیات قرآنی و أسماء جلاله و امثال آن اشکال ندارد ولی بر کسی که به دستش می رسد واجب است که احکام شرعی آنها را رعایت نماید و از بی احترامی و نجس کردن و مس بدون وضوی آنها خودداری کند. (استفتائات آیت الله العظمی خاتمی، جواب سوال ۱۵۹)



شهادت مظلومانه سرور زنان عالم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را محضر امام زمان علیه السلام و خدمت شما شیعیان و محبان آن حضرت تسلیت عرض می نمایم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: « هر که فاطمه را دوست بدارد او در بهشت با من خواهد بود و هر که او را دشمن بدارد در آتش است. »

تصویر ویژه



هیچ وقت بدخواه کسی نبودم

حاج آقا رحیم ارباب در سال ۱۲۵۹ در چرمهین اصفهان به دنیا آمد. ایشان در خانواده ای رشد کرد که افرادی باسواد، اهل شعر و ادب و تاریخ بودند و بیش تر اشعار فارسی حافظ و مولانا و شعرای عرب را از پدر شنیده و حفظ داشت. او مردی بود که جذب معنوی اش، کوچک و بزرگ را به تکریم و تعظیم وامی داشت و سخنان کوتاه و پرلطفتش هر کسی را به قبول و اطاعت ترغیب می کرد. **همیشه با طمأنینه راه می رفت و چشم به سوی زمین داشت.** ابتدا، از طریق صدا دیگران را می شناخت و بعد آن ها را می دید. به اندک غذایی قانع بود، غذای اصلی او را لبنیات تشکیل می داد. اگر به مهمانی می رفت **ساده ترین غذا** را می خورد. عادت او، خوردن چند استکان چای بود. هرگز با هیچ کس، بچه و بزرگ، **بالحن تند و خشن سخن نمی گفت** و همه را با لفظ آقا یا خانم صدا می زد. هرکس به ملاقات او می رفت، تا آن جا که توان داشت در تکریم و تعظیم او می کوشید و در مقابل او به پامی خواست و همیشه به فکر فقیران و مستمندان بود...

ادامه در صفحه آخر

مرحوم آیت الله حاج آقا رحیم ارباب:
بمغم غم غمیت تم غمیت نشنیم
و در طول عمرم چشمم بنا مخرم غمیتنا

شهید محله



شهیدان سید محمد ابطحی و محمدرضا قربانی
..... صفحه ۲

فرهنگ و هنر



مرشد اسماعیل تعزیه خوان

..... صفحه ۳



شهید سید محمد ابوطی

فرزند سید محسن؛

در سال ۱۳۴۴ در خانواده‌ای مذهبی و روحانی به دنیا آمد و در سنین کودکی از سایه پر مهر پدر محروم شد. تحصیلات خود را تا کلاس سوم راهنمایی ادامه داد و در آن زمان به کشاورزی مشغول بود. با اوج‌گیری انقلاب در راهپیمایی‌ها و تظاهرات حضوری فعال داشت. با تشکیل بسیج به عضویت این نهاد در آمد و از همان ابتدا به آموختن آموزش‌های نظامی پرداخت. پس از آن بخاطر علاقه به جبهه و جنگ عازم جبهه شد.

در پایان **عملیات محرم** که رزمندگان به پدافند مواضع خود مشغول بودند سید محمد نیز همراه هم‌رزمان مشغول حفر سنگر بودند که خمپاره‌ای نزدیک سنگرشان اصابت کرد و بر اثر برخورد ترکش خمپاره به گلو و سینه، در تاریخ ۲۰ آبان ۱۳۶۱ در منطقه عین خوش دهلران به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

شاد روح همه شهیدان راه حق صلوات

شلوارم رو ازت می‌گیرم. زدم زیر خنده. بغلش کردم و گفتم چیزی نیست عزیزم. وقتی برگشتم با خنده گفتم علت عزای عمومی، یک شلوار بود! ولی در جواب خنده‌ام کسی نخندید. گفتم حالا مگه چقدر شده مرضیه؟ سریع و در یک کلام گفت ۸۰۰ تومن! گفتم شماره کارت بده تا واریز کنم. شماره کارت داد. به بهانه کم بودن آنتن دور شدم. کارت به کارت کردم اما من ماندم و ۳۵ هزار تومن موجودی و ۲۰ روز باقیمانده از ماه! بغضم را فروخوردم. مهم این بود که خودم و فرزانه کوچکم را آزاد کردم. با خودم گفتم بگذار آن‌ها عمری در لباس‌های گران‌قیمتشان زندانی باشند!

و مضطرب بودند. بی اختیار همه از جا پریدیم. مادر راحیل جلوتر از همه خودش را به بچه‌ها رساند. وقتی گرد و خاک مادر و دختر خوابید، فهمیدیم که بله، فرزانه، اتفاقی به راحیل خورده است. سالم بود، فقط یک خراش سطحی بدون ذره‌ای خون... اما فرزانه بین بچه‌ها نبود. به دنبال فرزانه تمام پارک را گشتم. کنار سرویس بهداشتی پنهان شده بود. گریه چشمان معصومش را قرمز کرده بود. به طرفش دویدم و صدایش کردم: فرزانه... فرزانه! من را که دید فریاد زد مامان! به خدا من نمی‌خواستم هُلش بدم. به من میگه پول



میان صدای بچه‌ها به سختی صحبت‌های همدیگر را می‌شنیدیم. صاحب تخته‌فتر که رسید نور علی نور شد. صدای آهنگش گوش فلک را کر می‌کرد. دیگر صدای بچه‌ها هم نوی آن گم بود. کارمان شده بود لب خوانی و حدس زدن حرف بقیه. تسلیم شدیم و از میدان بازی بچه‌ها فاصله گرفتیم. کمی بعد بچه‌ها آمدند. راحیل داشت زار می‌زد. زمین خورده بود. زانوبش گلی شده بود. بقیه بچه‌ها هم ساکت



دربند و رها



مرشد اسماعیل

با توجه به قدمت بیش از یک قرن هنر تعزیه خوانی در روستای شرودان و کروج با یکی از شبیه خوانان محل گفت و گویی داشتیم تا ضمن آشنایی با مفاخر تعزیه محل به بررسی جایگاه هنر تعزیه در روستا بپردازیم.

• مرشد خودتان را معرفی کنید و برامون بگید چطور با هنر تعزیه آشنا شدید؟

به نام خدا بنده اسماعیل دوستی شرودانی، متولد سال ۱۳۶۷ ساکن روستای شرودان، از سن هفت سالگی با توجه به علاقه زیاد به تعزیه و اشعار آن و با توجه به اینکه پدرم جزء هیئت شبیه خوانان تعزیه حسینیه شرودان بودند علاقه مند به این حرفه شدم. در این مسیر دایی پدرم مرحوم عمو مظاهر عسگری نقش بسزایی داشتند و اشعار تعزیه را در منزل پدر بزرگم برای من می خواندند.

مشهدی مرتضی دوستی (پدر بزرگم) نیز با توجه به علاقه زیاد، هر موقع تعزیه بود من را به همراه خودش در این مجالس می بردند و همه اینها باعث شد تا در سال ۱۳۷۶ و از سن ۹ سالگی با پیگیری های آقای کربلایی محمود قربانی، اولین بار نسخه حضرت سکینه علیها السلام را در تعزیه علی اکبر علیه السلام اجرا کنم، همچنین مرحوم حاج غلامرضا زارع و کربلایی محمد مهری (مشهدی صفر) مشوق بنده در این امر بودند.

• به نظر خودتان در چه نقش هایی تسلط بیشتری دارید؟

نسخه هایی که حالت رزم دارد یا نسخه هایی که غریب هست را بهتر اجرا می کنم. نسخه امام روز عاشورا از نظر اساتید این حرفه بهترین نقش بنده در هنر تعزیه می باشد.

• جایگاه تعزیه در زندگی شما اولویت چندم است؟ اساتید شما چه کسانی بوده اند؟ چه دوره هایی گذرانده اید؟

بعد از خانواده و کار یکی از اولویت های اصلی زندگی من تعزیه هست بطوری که روزانه یک

تا دو ساعت اشعار تعزیه را مرور می کنم. استاد و راهنمای من در یادگیری سبک های قدیم تعزیه حاج محمدعلی مهری بودند. بنده کتاب و مقالات تعزیه را همیشه دنبال می کنم و مطالعه دارم؛ در دوره ای که توسط بسیج هنرمندان استان اصفهان برگزار شد شرکت کردم و به مهارت های تعزیه خوانی خود افزودم.

• آیا در سرودن شعر هم فعالیت دارید؟ اگر نوشته ای دارید کوتاه بفرمایید؟

اشعار زره پوشی امام حسین علیه السلام سروده بنده:

پی احیاء دین حق تعالی قیامی کرده ام من آشکارا به راه دوست دادم اقربا را
پیشانی کرده ام شمس الضحی را
خدا بنگر مرا الحمد لله رضایم بر قضا الحکم لله
• در چه شهرهایی تعزیه خوانده اید؟
بنده در شهرهای اراک، اصفهان، مبارکه، خمینی شهر، درچه، یزدانشهر، گلپایگان، زرین شهر، دولت آباد، قهدریجان، خورزوق، محسن آباد ایغالی نقش داشته ام.

• مرشد جایگاه تعزیه در روستاهای شرودان و کروج در زمان فعلی به نظر شما در چه سطحی قرار دارد؟

متأسفانه پرداختن به مسئله تعزیه در شرودان و کروج بسیار کم رنگ شده است الان ما در محل حداکثر پنج نفر موافق خوان داریم و بیشتر تعزیه خوانها در نقش مخالف هنروری می کنند و این مشکلاتی

را برای ما بوجود می آورد که باید برای ایغالی نقش از بیرون محل دعوت بشود که این خود یک معضل در این زمینه هست.

• نظر شما در مورد جوانانی که وارد تعزیه می شوند چیست؟

این جوانان باید تعزیه را جزئی از زندگی خود قرار دهند تا بتوانند به خوبی در این راه قدم بردارند. در این راه جدیت و پشتکار مهم است تا بتوانند یادگیری نقشها را به خوبی داشته باشند و برای خود و محل افتخار آفرین باشند.

• به نظر شما چه اشکالاتی در تعزیه خوانی امروزی وجود دارد؟

سبک و روش هایی جدیداً وارد تعزیه شده که برگرفته از فرهنگ غرب و غیراسلامی می باشد همچنین برخی مخالف خوانها در اشعار از عباراتی استفاده می کنند یا حرکاتی انجام می دهند که متناسب با قیام امام حسین علیه السلام نیست. سبک های قدیم تعزیه در حال فراموش شدن است و ای کاش این سبکها به عرصه هنر تعزیه برگردانده شود.

• در آخر اگر مطلبی دارید بفرمایید؟

در پایان آرزوی سلامتی و توفیق روز افزون برای همه خدمتگزاران به آستان مقدس سیدالشهدا علیه السلام را دارم و از همین جا به همه علاقه مندان به تعزیه اعلام می کنم که اگر کمکی از بنده در راه پیشرفت یا ورود هر شخص به این هنر باشد بنده دریغ نمی کنم. همچنین آرزوی سلامتی و توفیق برای شما و همه همکارانتان در فصلنامه مصباح دارم اجرتون با آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام.

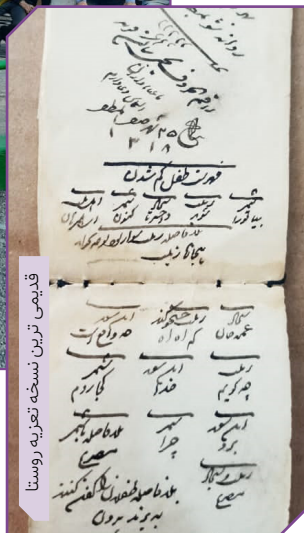


• از سابقه تعزیه خوانی در محل اگر اطلاعاتی دارید بفرمایید؟ بزرگان تعزیه محل را در صورت امکان نام ببرید.

با توجه به نسخه هایی که از پیشکسوتان تعزیه در اختیار من قرار گرفته، قدمت تعزیه در محل به حدود ۱۵۰ سال قبل برمیگردد از بزرگان شبیه خوانی محل مرحومان اسدالله



قدیمی ترین نسخه تعزیه روستا



ضیایی نجف آبادی که معلم مکتب محل بودند، حاج محمد صادق خان شیردوانی، شیخ علی کمالی، حاج غلامعلی کریمی، حاج آقا

رضا کریمی، حسینعلی کمالی، حاج اصغر قربانی، عمو حسین قربانی، مشهدعلی عبادیان، حاج رضا عبادیان، حاج حیدر قربانی، حاج محمود کریمی، حاج ابوالقاسم کمالی، حاج ابوالفتح مهری، حاج حسینعلی مهری، حاج محمد علی مهری، کربلایی جعفر کمالی، عمو مظاهر عسگری، مشهدی ابراهیم دوستی، حاج نجفعلی کمالی و حاج غلامرضا کریمی، کربلایی محمد رضا گردانی را می توان نام برد.



بلواری که ادامه پیدا نکرد!

سال‌ها قبل و به همت معتمدین محل، بلوار ورودی روستای شروان و کروچ جهت دسترسی بهتر مردم به شهر فلاورجان در ادامه بلوار دانشگاه آزاد اسلامی، احداث شد. این بلوار یکی از زیبا ترین بلوارهای ایجاد شده در سطح شهرستان فلاورجان می‌باشد. اما علی‌رغم پیگیری‌ها و خواست مردم هر دو محل متأسفانه این بلوار پس از چند دهه، ادامه پیدا نکرد و در ابتدای روستا متوقف شد! با توجه به گسترش جمعیت محل و اینکه روستای

شروان و کروچ راه ارتباطی روستاهای مجاور، با شهر بوده و به همین خاطر تردد از داخل روستا پر حجم و پر ترافیک است، ادامه این بلوار و تعریض خیابان اصلی روستا، یکی از مطالبه‌های به حق مردم از بخشداری شهرستان فلاورجان می‌باشد.

مردم محل عدم تعریض خیابان اصلی و حجم تردد بالا وسایل نقلیه و نبود علایم ایمنی و آسفالت نامناسب را از مشکلات اصلی حمل و



نقل این دو روستا می‌دانند. امید است این چنین مشکلاتی با همکاری مردم و مساعدت مسئولین هرچه زودتر مرتفع گردد.

... ادامه از صفحه نخست

از عواید املاک و ارث پدری به اندازه مخارج بر می‌داشت و بقیه را به کشاورزان می‌داد. چند حبه‌ای که از قریه **شروان** مالک بود، در تقسیم اراضی حکومت سابق از او گرفتند، ولی نه از دولت و نه از زارعان، چیزی مطالبه نکرد و آن‌ها خود هر سال، مختصر برنجی به ایشان می‌دادند. ایشان به زارعی که آن زمین‌ها را گرفته بودند، فرموده بود: **من حلال کردم تا زرتان حرام نباشد.** آیت الله ارباب نزدیک به یک قرن زیست. این حکیم فرزانه در خصوص

راز طولانی بودن عمر خود گفته است: «من هیچ وقت بدخواه کسی نبودم.» ایشان دو سه سال آخر عمر نابینا شد. وقتی از ایشان پرسیدند پس از این همه عمر آیا ادعایی هم دارید یا نه؟ فرمودند: در مسائل علمی هیچ ادعایی ندارم. اما در مسائل شخصی خود دو ادعا دارم: یکی آنکه **به عمر غیبت نگفتم و غیبت نشنیدم** و دوم آنکه **در طول عمرم چشمم به نامحرم نیفتاد.** ایشان در آذر ماه ۱۳۵۵ شمسی و در روز عید غدیر دارفانی را وداع گفت و در **تخت فولاد اصفهان**، حوالی تکیه ملک به خاک سپرده شد.

دنباله سرفقاله..

جوان‌ها باید خوب درس بخوانند و اساتید هم باید آنها را تربیت کنند و آینده علمی و عملی کشور را تأمین و تضمین کنند. **هیچ چیز نباید موجب شود که در حرکت علمی دانشجو، اندک توقف و تعللی به وجود آید.** دشمن، این را می‌خواهد. نباید گذاشت او به اهدافش برسد. جهت گیری فکری و سیاسی و انقلابی دانشجویان نیز آن چیزی است که به علم، جان و روح و جهت می‌دهد. دانشگاه نباید لائالی و بیگانه از ارزش‌های دینی و انقلابی باشد؛ نباید بی تفاوت نسبت به این ارزش‌ها باشد بلکه لازم است احساس تکلیف کند و در حرکت انقلابی ملت ایران، در مسیر رسیدن به تمدن اسلامی، پیشاهنگ و پیش قراول باشد. **داشتن قدرت تحلیل سیاسی یکی از لازمه‌های دانشجو بودن است؛** هر حرفی را به آسانی نپذیرد و هر احتمالی را به آسانی به ذهن خود راه ندهد و یا حتی رد نکند. البته از این نکته نیز نباید غافل بود که دشمن همواره

به دنبال ایجاد تفرقه و دوستی‌هاست؛ لازم است در محیط دانشگاه تا جای ممکن **یکپارچگی** را حفظ کرد تا مبادا نیروهایی که بنا است با پشتیبانی هم‌دیگر در برابر دشمن بایستند و موضع بگیرند، روبه روی هم قرار گیرند. در روزهای اخیر شاهد بودیم که دشمن با استفاده از تمام ظرفیتهای خود ما را درگیر یک **جنگ ترکیبی تمام عیار** کرد تا بتواند با ارائه اطلاعات و تحلیل‌های خودساخته، نادرست و جهت دار، عموم مردم و بخصوص قشر جوان و دانشجو را با خود همراه سازد و نظام اسلامی را که خون **هزاران شهید** برای بدست آمدن و حفظ آن ریخته شده، از بین ببرد. اما **مردم بصیر و صبور ایران اسلامی** همچون گذشته در این آزمون سخت نیز خوش درخشیده و بار دیگر قلب امام زمانشان را شاد کردند. هر چند عده‌ای قلیل، در داخل و خارج کشور، از دانشجو و غیر دانشجو با دشمن همراهی کرده و دست‌اندرهایی را نیز در برابر حرکت پرشتاب این مردم غیور ایجاد کردند اما ابداً نتوانستند مانع از این حرکت رو به جلو شوند.

تبلیغات



خدمات چاپ دیجیتال 888

- چاپ کتاب با کلیه مجوزات قانونی
- چاپ جزوات دانشجویی و دانش آموزی

با قیمت فوق العاده

کلیه خدمات چاپ پذیرفته می‌شود

دانشگاه آزاد اسلامی فلاورجان
۰۹۳۸۱۴۳۲۰۷۸

مسابقه

حادثه ۱۶ آذر به عنوان یک روز مقاومت تاریخی، در چه سالی رخ داد؟

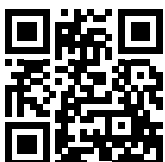
الف) ۱۳۳۲ ب) ۱۳۵۳ ج) ۱۳۳۳ د) ۱۳۵۹

همراه با ۳ جایزه نفیس

پاسخ خود را به سامانه پیامکی

۵۰۰۰۱۰۴۰۰۰۸۴۴۰

ارسال فرمایید.



نظر شما چیه؟

سامانه پیام کوتاه:

۵۰۰۰۱۰۴۰۰۰۸۴۴۰

mesbahsh.blog.ir

نشریه تجربی مصباح شروان: صاحب امتیاز: کانون فرهنگی محمد رسول الله ﷺ مسجد امام حسین (ع) شروان مدیر مسئول: محسن کریمی سردبیر: سبحان ربانی هیئت تحریریه: راضیه رضایی، الهام کریمی، محمدتقی مهری با تشکر ویژه از دهیاری و شوراهای اسلامی شروان و کروچ و امام جماعت مسجد امام حسین (ع) شروان و سپاس از همکاری آقایان امیرقلی قاسمی و سید صالح مرتضوی و خانم‌ها قربانی، کریمی و قاسمی و با تشکر از کادر اجرایی: محمدحسین مهری و حسین قاسمی.

